

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literaray-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

تنظیم و ویرایش: پورتال

حُبُّ وطن

ای سرم سودائی و روح پریشان وطن
عشق من حب وطن، ایمانم ایمان وطن
نایدم جانی به کار، ای جان به قربان وطن
نیست دردم را دوائی غیر درمان وطن
ساختی زندان، گلستان و دبستان وطن
از مسلمان وطن تا نامسلمان وطن
سرمه چشمی ز گرد دشت و دامان وطن
تا شده تاراج گلزار و گلستان وطن
شمع سان می سوزم از یاد شبستان وطن
رنگها می گیرد از لعل بدخشان وطن
لاله ها روئیده از خون شهیدان وطن
پای دشمن را، که دارد عزم جولان وطن

ای دلم در سوز و ای جانم به ارمان وطن
دیده تا وا کرده ام تنها همین دانسته ام
جان اگر اینست کز مام وطن افتاده دور
دردها دارم ز رنج دوری و آوارگی
ای فلک از رنگبازیهای تو دارم فغان
هرکه را فکر مقام و جاست، کردم امتحان
دیده نابیناست در غربت، خدایا کن نصیب
سینه مالامال اندوه است و مژگان غرق خون
چون تو ای پروانه عمری شد که از سر تا به پا
موج خونین دلم در روزگاران فراق
باده رنگین می زنی، غافل که آنجا هر قدم
همتی یارب، که با مردانگیها بشکنم

هست سرپیچی "اسیر" از حکم و فرمان خدای

ذره ای غفلت، ز احوال پریشان وطن

(بن - المان، نومبر ۱۹۸۹ع)